

antichnii period», *K osveshcheniyu problem istorii i kulturi Kavkazskoi Albanii i vostochnikh provintsii Armenii*, Erevan, 1991, vol. I; Strabo, *The Geography*, tr. Horace Leonard Jones, London, 1961; Svazyan, G. S. «Ob odnoi Albanskoj nadpisii», «Rod Míhranidov v Albanii», *K osveshcheniyu problem istorii i kulturi Kavkazskoi Albanii...*, Erevan, 1991, vol. I; Yuzbashyan, introd. *Egishe O vardane i voine Armyanskoi*, Erevan, 1971.

عنایت الله رضا

اران، نک: وهران.

آریاب اصنام، نک: اریاب انواع.

آریاب انواع، جمع رب النوع، اصطلاحی که هم در مباحث مربوط به تاریخ ادیان و مذاهب، و هم در نوشته‌های فیلسوفان به کار رفته است. در اینجا کاربرد فلسفی این اصطلاح بررسی می‌شود.

در میان فلاسفه اسلامی نخستین بار سهروردی به طور صریح واژه‌های اریاب انواع و رب النوع را به کار برده (نک: ۴۵۳/۱، ۴۶۰، ۴۶۳)، و آنها را با مثل افلاطونی، طباع تام هرسمیان، و فرشتگان محافظ و مدبر انواع در آیین مزدیسنا (امشاسپندان) مترادف گرفته است. با توجه به این نکته، ضمن مطرح کردن سخنان سهروردی در این باره، اجمالی از تاریخچه این بحث نیز خواهد آمد.

چنانکه مشهور است، نظریه ایده‌ها، یا به تعبیر فیلسوفان اسلامی مثل، محور اساسی اندیشه‌های افلاطون بوده است. افلاطون این نظریه را در جای جای آثار خود پرورانده، و گسترش داده است. این نظریه از یک سو با مسأله معرفت، و از سوی دیگر با عقیده قدم نفوس در اصطلاح حکمای اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. ایده برای افلاطون در برگرفته مفهومی کلی، ذات، صورت و جوهر است و چیزها با بهره‌داشتن از ایده‌ها، هستند و شناخته می‌شوند. در نظر این فیلسوف متعلق معرفت حقیقی باید ثابت و پایدار، یعنی معقول باشد، نه محسوس (کاپلستون، 188/1(1)؛ از این‌رو شناسایی حقیقی فقط شناسایی ایده‌هاست که همیشه باشند و همیشه همان و پایدارند و شناخت چیزها در پرتو ایده آنها ممکن می‌شود. از سوی دیگر، ایده‌ها نه تنها بنیاد شناسایی چیزها، بلکه بنیاد هستی آنها نیز هستند و اشیاء محسوس به نسبت‌های گوناگون از ایده‌ها بهره می‌گیرند و واقعیت می‌یابند. ایده‌ها «مجموعه ذواتی هستند که صورتی نامتحرک دارند؛ دستخوش کون و فساد نیستند؛ مشوب به هیچ امر خارجی نیستند؛ به امر دیگری تبدیل نمی‌شوند؛ نه با چشم دیده می‌شوند و نه با هیچ حس دیگر، بلکه فقط با عقل دریافته می‌شوند» (کرین، فلسفه ایرانی، ...، ۳۴).

متفکران اسلامی نظریه ایده‌ها، یا مثل را با تعبیرهای خاص خود — که گاهی متفاوت با سخن افلاطون است — مطرح کرده‌اند. به عقیده این متفکران، افلاطون بر آن بود که هر نوعی از انواع جسمانی محسوس، مثالی در عالم عقل دارد و آن صورت بسیط نورایی است قائم به خود که در مکان نیست. به دیده تحقیق، این صورتهای نورانی همانا حقایقند، چرا که از لحاظ مجرد بودن به منزله ارواح صورتهای نوعی جسمانیند، و صورتهای نوعی جسمانی از نظر مادی بودن، به

فرمانروای آن سرزمین کشته شدند (۷۷/۱۱). از ۶۱۸ ق/۱۲۲۱ م مغولان به سرزمین اران حمله بردند و نفوذ ترکان بر اران فزونی گرفت. اران در عصر سلجوقیان و متعاقب آن به روزگار مغولان تمام و کمال ترکی شد و ویژگیهای قومی و نیز نام خود را از دست داد (IA, I/598).

اران در اواسط سده ۱۸ م به چندین خان نشین، ملک نشین و سلطان نشین کوچک تجزیه شد که در واقع تنها نامی داشتند: قراباغ، طالش، شکی، شروان، گنجه، باکو، نخجوان، اردویاد، دربند، قبه (قویا) و لنکران. سلطان نشینها شامل: ایلی سو، آرش، کوتکاشن، کازاخ، شمشادیل، واراندین، جراترد، گلستان، دیزک و خاچن در قراباغ کوهستانی (علیا) بودند. پس از جنگهای ایران و روس و تصرف سرزمین قفقاز از سوی دولت روسیه، آن گروه از خانان که در خدمت امپراتوری روسیه قرار داشتند، تا اندازه‌ای به صورت نیمه مستقل به حیات خود ادامه دادند، ولی اندکی بعد تابع فرماندار کل امپراتوری روسیه در قفقاز شدند. این وضع تا ۱۹۱۸ م ادامه داشت، تا اینکه با ورود قوای عثمانی به قفقاز، دولتی از سوی گروه مساواتیان تأسیس شد که نام جمهوری آذربایجان بر خود نهادند (نک: ه. د. آذربایجان، جمهوری شوروی سوسیالیستی).

بجز «تاریخ آغوان» (اران) نوشته کاغان کاتواتسی و برخی نوشته‌های پراکنده دیگر، تنها اثر مستقل درباره تاریخ اران، کتابی است با عنوان منشآت اران که نگارنده آن مسعودین نامدار است. وی در عهد برکیارق پسر ملکشاه سلجوقی می‌زیست و منشی التوتناش فرمانروای اران بود. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ملی پاریس (ش ۴۴۳۳) است (IA, همانجا).

ماخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن حوقل، محمد، صورة الارض، لیدن، ۱۹۳۹ م؛ ابن خردادبه، عبدالله، المسالك و الممالک، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۸۹ م؛ ابوعلی مسکویه، احمد، تجارب الامم، قاهره، ۱۳۳۳ ق/۱۹۱۵ م؛ بلاذری، احمد، فتوح البلدان، لیدن، ۱۸۶۵ م؛ جوائنبر قراباغی، میرزا جمال، تاریخ قراباغ، باکو، ۱۹۵۹ م؛ عنصر المعالی، کیکاووس، قابوس نامه، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۶۴ ش؛ کسروی، احمد، شهریاران گنم، تهران، ۱۳۳۵ ش؛ همو، کاروند، به کوشش یحیی ذکا، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ مسعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۵۸ ق/۱۹۶۵ م؛ منجم باشی، احمد، باب فی الشنادیة من کتاب جامع الدول، به کوشش و مینورسکی، کمبریج، ۱۹۵۳ م؛ یاقوت، بلدان؛ یعقوبی، احمد، تاریخ، بیروت، دارصادر؛ نیز:

Akopyan, A. A., *Albaniya-Aluank v greko-latinskikh i drevnearmyanskikh istochnikakh*, Erevan, 1987; Aliev, K., «K voprosu o plemenakh kavkazskoi Albanii», *Issledovaniya po istorii kulturi narodov Vostoka...*, Moscow/Leningrad, 1960; id., «K voprosu ob istochnikakh i literature po istorii drevney Kavkazskoi Albanii», *Voprosi istorii Kavkazskoi Albanii*, Baku, 1962; Arrian, *Anabasis Alexandri*, London, 1976; Bartold, V. V., *Sochineniya*, Moscow, 1963-1965; BSE³; Bunyatov, Z. M., «Iz istorii Kavkazskoi Albanii VII-VIII v. v.», *Voprosi istorii Kavkazskoi Albanii*, Baku, 1962; Egishe, *O vardane i voine Armyanskoi*, tr. I. A. Orbeli, Erevan, 1971; EF²; Favstos Buzand, *Istoriya Armenii*, tr. M. A. Gervorgyan, Erevan, 1953; Gumilev, L. N., *Drevnie Turki*, Moscow, 1967; IA; *Iranica*; Kalankatuatsi, Movses, *Istoriya strani Aluank*, tr. Sh. V. Smbatyana, Erevan, 1984; Kapantsian, G.A., introd. *Istoriya...* (vide: Kalankatuatsi); Khorenatsi, Movses, *Istoriya Armenii*, tr. Gagik Sarkisyan, Erevan, 1990; Lukonin, V. G., *Kultura Sasanidskogo Irana*, Moscow, 1969; Marquart, J., *Erānšahr*, Berlin, 1901; Novoseltsev A. P., «K voprosu o politicheskoj granits Armenii i Kavkazskoi Albanii v

قدما شرم تلقی می‌شد و حتی داشتن آن را موجب بدبختی می‌شمرده‌اند. بدیهی است که گرایش ضدشعیبی ابوحنیفان - لااقل در جوانی و اواسط عمر - و تمایلات شیعی دو وزیر مزبور و خاندان آل‌بویه در نوشته شدن این کتاب بی‌تأثیر نبوده است. ضمن آنکه تندخویی و حساسیت ابن‌حیان و کبر و غرور ابن‌عباد و جوانی و بی‌تجربگی ابن‌عمید (پسر) علت مستقیم پدید آمدن این اثر است که در واقع شاهکاری است در روان‌شناسی شخصیت‌ها و به‌لحاظ نویسندگی نیز در اوج هنرمندی و از بهترین نوشته‌های این نویسنده طراز اول در زبان عربی است. از چاپ‌های خوب این کتاب یکی به کوشش ابراهیم کیلانی (دمشق ۱۹۶۱) و دیگری به کوشش محمد آویت طنجی (دمشق ۱۹۶۵) است.

منابع: ماجرا در ماجرا، علیرضا ذکاوتی؛ ابوحنیفان توحیدی، علیرضا ذکاوتی.

مثلاً، نظریه مشهور افلاطون در تاریخ فلسفه مبنی بر اینکه آنچه در این جهان مشاهده می‌شود - اعم از جواهر و اعراض - دارای اصل و حقیقتی در جهان دیگر است و افراد این جهان به منزله سایه‌ها و عکس‌های حقایق آن جهان می‌باشند. به نظر افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م)، متعلقاتی که در مفاهیم کلی درک می‌شوند و علم به آنها مربوط است و متعلقاتی که مطابق حدهای کلی حمل (اسناد) هستند مثل عینی یا کلیات قائم به خودند که در این عالم متعالی، یعنی جدا از اشیاء محسوس، موجودند. مراد از «جدا از» عملاً جدایی امکانی است. اشیاء محسوس از واقعیات کلی بهره‌مندند، اما واقعیات کلی در مقر ثابت آسمانی خود جای دارند و حال آنکه اشیاء محسوس دستخوش دگرگونی‌اند و در واقع همیشه در حال شدن (صیروت)‌اند. مثلاً در مقر آسمانی خود از یکدیگر جدا و از ذهن هر «متفکری» نیز جدا وجود دارند. در این فلسفه، کلیات قائم به ذات یا وجود دارند (که در این صورت جهان واقعی تجربه ما به طور ناموجه مضاعف می‌شود) یا وجود ندارد، اما به نحوی مرموز و واقعیات مستقل و ذاتی و ماهوی دارند (که در این حال میان وجود و ذات / ماهیت رخنه و شکافی ناموجه پدید می‌آید). ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) در نقد سخن افلاطون گوید: انواعی که در این عالم دارای افرادند به محسوس و معقول تقسیم می‌شوند. افراد محسوس نوع‌اند و

حادث نشده توبه از آن (فعل دوم) لازم نیست. شیخ مفید در اینباره معتقد است پشیمانی و توبه چنین فردی از فعل اول پیش از وقوع فعل دوم عقاب را از وی ساقط می‌کند، اما پس از وقوع فعل دوم، دو توبه واجب است.

منابع: شرح اصول خمس، ۳۸۷-۳۹۰؛ المغنی، ۴۰۹/۱۴-۴۳۵؛ تقریب المعارف، ابوصلاح حلبی، ۶۸-۷۰؛ یاقوت، ابن‌نویخت، ۴۵-۴۷؛ اوائل المقالات، ۱۲۷؛ اصول‌الدین، بغدادی، ۱۳۵؛ الملل والنحل، ۶۳/۱؛ مقالات الاسلامیین، ۴۰۱. مریم کیانی فرید

متین، از اسماء‌الحسنی. متین صفت شبهه از ریشه م ت ن به معنی قوی و محکم شدن است. اصل این کلمه دلالت بر صلابت و سختی در چیزی است با امتداد و طول. از دیگر معانی این کلمه، استوار، محکم، تواناست و نیرومند، کسی که بسیار قوی است و هیچ‌گونه سستی و هیچ نوع مشقتی به وی رو نمی‌کند. غزالی می‌گوید: «متانت دلالت بر شدت قوت دارد و خداوند متعال از آن جهت که قوتش شدید و سخت است، متین می‌باشد». خداوند کسی است که در نهایت قدرت است، به‌گونه‌ای که هیچ معارض و شریکی ندارد و هیچ‌گونه ضعف و سستی به قدرتش راه ندارد و کسی مانع اوامر و نواهی او نمی‌شود، بلکه او کسی است که همیشه غالب است و کسی نمی‌تواند او را مغلوب کند و در اعمال قدرتش نیازی به اسباب و ابزاری ندارد. بنابراین، کسی که عظمت قدرت خدا را فهم کند در همه امور به خداوند توکل می‌کند، زیرا او را فاعل اصلی امور می‌داند که با قدرت فراوانش همه چیز را اداره می‌کند.

منابع: خواص الاسماء الحسنی، ضیاء‌الدین محقق، ۱۲۶؛ مقصدالاسنی فی شرح اسماء الحسنی، ۳۱؛ علم‌الیقین، فیض کاشانی، ترجمه، ۱۹۵؛ اسماء و صفات الهی، محقق، ۱۲۹۱؛ نام‌ها و صفت‌های خطای رحیم در قرآن کریم، مقتدری، ۱۴۸؛ شرح اسماء الله الحسنی، برنسی.

مثالب النواصب ← کتاب النقض
MADDE YAYIMLANDIKTA SONRA GELEN 100

مثالب‌الوزیرین، تألیف ابوحنیفان توحیدی، ادیب و فیلسوف (م حدود ۴۱۴ق) در هجو ابن‌عمید و ابی‌عباد دو وزیر نامدار آل‌بویه که مدتی نزد آنان به عنوان «کاتب» به‌سر می‌برده است. این رساله را اخلاق‌الوزیرین نیز نامیده‌اند و نزد